

شهر محله

در آستانه عاشورای حسینی میهمان مساجد مختلف منطقه بودیم

وقتی که آب شهر مشهد را قنات های قاسم آباد تأمین می کردند

هنوز هم بسیاری از مردم پساب خانگی را به کوچه ها هدایت می کنند

قرار عاشقی...

این قنات از تمیز ترین آب های شهر است...

به قیمت جان مردم!

محرم ۱۴۴۱ است و مادر زمانه ای روزگار می گذرانیم که شمر و حسین قرمز و سبز نیستند. خوب و بد و سیاه و سفید حالا سال هاست مفاهیمی رنگ باخته اند. محرم ۱۴۴۱ است، عصر ما آدم های خاکستری، آدم هایی که هر چیزی را فراموش کنند هر سال درست به موقع سر قرار عاشقی شان حاضر می شوند...

نام قاسم آباد برای اولین بار زمانی به صورت جدی مطرح شد و به قول معروف در دهان ها افتاد که مهندس خازنی و همکارانش در سال ۱۳۵۶ اولین طرح تفصیلی مشهد را نوشتند و با برآوردی که از جمعیت مشهد داشتند...

رهاسازی پساب خانگی در معابر عمومی قصه پر غصه بیشتر محلات مناطق پیرامونی شهر مشهد است. تا به امروز بر خورد های قهری و غیر قهری با متخلفان فایده ای نداشت و آن طور که به نظر می رسد جریمه های در نظر گرفته شده چندان بازدارنده نیست. چون هنوز وقتی پا به برخی از این محلات می گذاریم...



۳ روایت از اشقیای تعزیه خوانی

شمرهایی که برای امام حسین (ع) گریه می کنند



آدم بودن سخت است!

حرف اول



محمد کاملان خبرنگار شهرآرا محله

دوستی تعریف می کرد که خود در صفرش را در پارکینگ یکی از مجتمع های تجاری پارک کرده است که با زن و بچه پرود خرید. وقتی بر می گردد،

می بیند راننده شیر پاک خورده ای موقع خروج سرتاسر خودرواش را خط انداخته و رفته است. می گفت وسط بد و بیراهه گفتن به شانسش و آن راننده نامحترم، چشمش به کاغذ زیر برف پاک کن افتاد که رویش نوشته شده بود: با عرض معذرت موقع خروج از جای پارک با خودروتان برخورد کردم. لطفا تماس بگیرید تا خسارت را پرداخت کنم.

تعریف می کرد خوش حال بودم از اینکه حداقل با یک آدم درست و حسابی طرف هستم که حق الناس حالی اش است. همان جا و فی المجلس زنگ می زند به راننده تا قرار و مدار پرداخت خسارت را با هم بگذارند. غافل از اینکه شماره زیر برف پاک کن اصلاً متعلق به صاحب آن خودرو نبوده است و مالک تلفن همراه نه گواهی نامه داشته نه خودرو! بعد از کلی دوندگی و بالا و پایین کردن پله های دادگستری و بازبینی دوربین های مدار بسته پارکینگ، بالاخره راننده را پیدا می کند.

آقای راننده که پولش از پارو بالا می رفت و ماشین آخرین سیستم زیر پایش بود، فقط و فقط به نیت اذیت کردن و خندیدن شماره اشتباهی گذاشته است.

دلش می خواست یکی را سرکار بگذارد و گویا بار اولش هم نبوده و قربانی های زیادی داشته است. خودش پیش قاضی اعتراف کرده که تا الان ۱۵-۱۰ نفر را همین طور سرکار گذاشته است.

به ویژه آن هایی که خودرو نو و تر و تمیز هم قیمت پراید داشتند. عجیب این بود که گاهی وقت ها خودش می رفت جلو و به کسی که خودرویش آسیب دیده بود اصرار می کرد که حتماً به طرف زنگ بزند و خسارت بگیرد.

بعد هم یک گوشه می ایستاد و سرکار رفتن و استیصال و عصبانیت یک آدم را از نزدیک نگاه می کرد و لذت می برد تا نشان بدهد که به شکل عجیب و حتی خطرناکی سادیسیم دارد و از آسیب زدن به دیگران کیفور می شود. حتی به این قیمت که خودرو چند میلیاردی اش به فقیرا برود. هر چند آدمی که میلیون پول خردش باشد، غمش نیست!

از همه این ها عجیب تر این است که آقای راننده روان پریش ادعا کرده بود، ایده شوخی مسخره اش را از کلیبی گرفته است که در آن رضایکیان با خودرویی تصادف می کند و شماره اش را برای طرف می گذارد که زنگ بزند و بعد خسارت بگیرد! اینکه چطور یک آدم می تواند از دل یک کلیبی آموزنده چنین جنایتی را طرح ریزی کند، خودش جای سؤال دارد. اما اگر مدیران تلویزیون می دانستند که یاد دادن رعایت حق الناس به مردم و اینکه اگر با خودرویی پارک شده، تصادف کردند شماره شان را زیر برف پاک کن بگذارند، قرار است دستمایه شوخی های کثیف یک عده روان پریش و سادیسیمی شود که تفریحی جز آزار و اذیت مردم ندارند، پشت دست خودشان و همه آن هنرمندان را داغ می کرد که دیگر سمت ساخت چنین کلیپ هایی نزنند. ■

شهردار مشهد در جلسه بررسی طرح تفصیلی غرب و جنوب غرب مشهد تأکید کرد

طرح های تفصیلی باید بر مدار خواست و انتظار

مدت در نظر گرفته است، تطبیق دهد و بر اساس آن الگوی کار را اجرایی کند. وی خاطر نشان کرد: باید شأن مناطق ارائه و کنترل گرایش های اجتماعی و تذکر آن ها به جلسه برای لحاظ به وسیله نهادهای تسهیل کننده و دیدن چگونگی تحقق مأموریت اصلی پهنه در قالب فعالیت های مدیریت شهری باشد.

شهردار مشهد با بیان اینکه حوزه شهرسازی باید این خواسته ها را به صورت فنی مدیریت کند، گفت: خواسته ها چه در طرح های بالادستی چه در برنامه های میان مدت باید کنترل و خلاف آن نیز رصد شود. کلانی تأکید کرد: همچنین باید در باره تمهیدات این مسئله که حرف ها به صورت عملیاتی در قالب سند مشخص و روشن در بین همه اسناد و ذی نفعان اعمال گردد، اندیشیده شود.

وی با اشاره به نقش حوزه های تخصصی در این باره، تصریح کرد: حوزه های تخصصی نیز باید تحقق ابزارهای خود برای ایفای نقش در این طرح یا دیگر برنامه های مدیریت شهری را در خواست، کنترل و نظارت کنند.

و گفت: این اختلاف ها بین حوزه های مختلف و حتی در درون مدیریت شهری وجود داشته و همچنان نیز به قوت خود باقی است. کلانی در ادامه بیان کرد: عمده این اختلاف ها یا حل و فصل نشده یا مرتفع شده ولی افراد با عنینک های قبلی و نگرش های گذشته به موضوع نگاه می کنند، پس باید به چند اصل اساسی برای دستیابی به انسجام و یکپارچگی توجه شود.

وی خاطر نشان کرد: اگر با انتظارها و چالش های اجتماعی مواجه هستیم، باید شهرداران مناطق این مسائل را ارائه کنند. شهردار مشهد با اشاره به اینکه بخش زیادی از تحقق وظایف هر حوزه در گرو برنامه های اجرایی است که از طرح های تفصیلی منبعت می شود، گفت: همچنین باید روی ارتقای کیفیت سکونت توجه کرد.

کلانی با اشاره به اجرای پروژه های مختلف از سوی مدیریت شهری در بازه های زمانی، بیان کرد: مدیر منطقه باید پروژه هایی که مدیریت شهری در برش های برنامه میان

جلسه بررسی طرح تفصیلی حوزه جنوب غرب مشهد هفته گذشته در سالن شهدای شهرداری مشهد برگزار شد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی شهرداری مشهد، محمدرضا کلانی با بیان این مطلب که طرح های تفصیلی باید بر مدار خواست و انتظار مردم باشد بر اهمیت بررسی طرح تأکید کرد و گفت: خواسته ما از شهرداران مناطق این است که حلقه ارتباط مدیریت شهری با مردم باشند و انتظارات و گرایش های مردم را درک کنند. بر این اساس اگر ابتدای مطالعه و بررسی طرح هستند، باید خواسته های مردم را در نظر بگیرند و آن را به مشاور انتقال دهند.

وی همچنین گفت: اگر انتهای بررسی طرح هستند، باید خواسته های مردمی را بر طرح تطبیق دهند و اعلام کنند چه بخش هایی در طول اجرای طرح به لحاظ اجتماعی ممکن است تحت تأثیر قرار گیرد.

شهردار مشهد به وجود اختلاف نظرها، چالش ها و مطالبات در طرح اشاره کرد

۰۲

اگر با انتظارات و چالش های اجتماعی مواجه هستیم، باید شهرداران مناطق این مسائل را ارائه کنند

۰۳

به قلم دوربین

شهرآرا

ظرفیت های منطقه ۱۰ با حضور عضو شورای شهر بررسی شد

امور سرمایه گذاری و مشارکت های مردمی منطقه برگزار شد، دو طرف به بررسی ظرفیت های برجسته موجود در منطقه و همچنین معضلات، کمبود اعتبارات و پیشرفت فیزیکی پروژه های عمرانی پرداختند. نوری و هیئت همراه همچنین از سالن های همایش منطقه، محل احداث پارک موضوعی کودک و سلامت، اراضی نهضت و یوسفیه، بوستان شاهد، بوستان موضوعی دانش و بیمارستان تخصصی ناظران نیز بازدید کردند. ■

نشست مشترک احمد نوری، رئیس کمیسیون اقتصادی، سرمایه گذاری و مشارکت های شورای اسلامی شهر مشهد با شهردار منطقه ۱۰ در محل دفتر شهردار منطقه برگزار شد. در این نشست، که با حضور معاونان شهرسازی و معماری، اجرایی و توسعه مدیریت و منابع و مسئول

۰۴



مدیر فرهنگسرای شهید خادم الشریعه از برگزاری کلاس های دوره سوادآموزی شامل دوره بی سواد و انتقال دارندگان مدرک ابتدایی و پایانی نهضت در این فرهنگسرا خبر داد. به گزارش شهر آرا محله، سهراب صمدی با اعلام این خبر گفت: طرح «دانش دوستان» با هدف بالا بردن سواد در جامعه و ریشه کن کردن بی سواد در پاییز و

زمستان امسال به صورت کاملاً رایگان در فرهنگسرای خادم الشریعه برگزار می شود. وی افزود: شرکت کنندگان در این دوره ها که ویژه رده سنی ۱۰ تا ۵۰ سال هستند بعد از به پایان رسیدن دوره می توانند در دوره متوسطه شرکت کنند و علاقه مندان می توانند برای کسب اطلاعات بیشتر ضمن مراجعه به فرهنگسرا با تلفن ۶-۳۶۶۷۶۱۸۲ تماس بگیرند.



در آستانه عاشورای حسینی میهمان مساجد مختلف منطقه بودیم

قرار عاشقی...



مردم باشد

شهردار مشهد اظهار کرد: امروز با طرحی مواجه هستیم که مشاور در سالیان متمادی تهیه و ارائه کرده است. پس باید در تطبیق مسائل تمامی خواسته های اجتماعی و ماندن آن را رعایت کنیم و طرح های بالادست را نیز لحاظ کنیم. اما این امر باعث نمی شود پیشنهادهایی که برای بهبود ارائه می دهیم، محدود به طرح های بالادست و عوامل معطوف کننده باشد.

کلانی بیان کرد: تنها چیزی که ما را محدود می کند این است که مبنای تهیه طرح را تغییر ندهیم. اما ممکن است سند جامع مانند هر سند دیگری اشکال هایی داشته باشد.

وی با بیان اینکه طی ۱۳ سال گذشته شهر دستخوش تغییراتی شده است، گفت: پس در نتیجه این تغییرات ممکن است مدیریت شهری به نتایجی رسیده باشد. در عین حال بخشی از این تغییرات اقتضانات راهبردی است که مدیریت شهری به تجربه با آن ها برخورد کرده است.

شهردار مشهد با تأکید بر اینکه به معنای واقعی به دنبال شفافیت، کاهش فساد و الکترونیکی کردن امور هستیم، اظهار کرد: برای این مهم اقتضاناتی در طرح لازم است. نکته بعدی این است که حد الامکان شکل مداخلات باید شکل راهبردی ساختاری باشد.

محرم ۱۴۴۱ است و ما در زمانه ای روزگار می گذرانیم که شمر و حسین قرمز و سبز نیستند. خوب و بد و سیاه و سفید حالا سال هاست مفاهیمی رنگ باخته اند.

محرم ۱۴۴۱ است، عصر ما آدم های خاکستری. آدم هایی که هر چیزی را فراموش کنند هر سال درست به موقع سر قرار عاشقی شان حاضر می شوند. قرار کجاست؟ هر جا. روی کاناپه یک خانه ۷۰ متری یا وسط یک هیئت پر شور...

معشوق این قرار در قلب همه آدم هاست. قصه عاشورا روایت واقعی عشق است و کربلا سرزمینی است که مردمان عاشق روزگار ثابت کردند در روزگار گرگ های در لباس میش، در روزگار دست های ایستاده به قنوتی که از آن ها خون بی گناه می چکد چطور باید حق را از باطل شناخت. آن ها به خوبی می دانستند راه درست همیشه آن نیست که قوی ترها در آن قدم می گذارند یا طرف داران بیشتری دارد.

مظلومیت راه حسین سندی حقانیت او بود و قرار شد هر چند سال که گذشت... هر چند هزار سال... ما یادمان نرود همچون حسین که یادش نرفت قرآنی که سر نیزه رفت دیگر سخن خدا نبود... عزاداری بر ظلمی که رفت بخشی از زنده نگه داشتن یاد مظلومیت تن هایی است

که عاشقانه جان باختند... مساجد نیز همواره یکی از مهم ترین مراکز این تجدید بیعت هاست و در منطقه ما نیز قرار بر همین منوال است...

حجت الاسلام و مسلمین ایزدی، یکی از اعضای هیئت امنای مسجد صاحب الزمان (عج)، درباره برنامه های برگزار شده این مسجد در ایام محرم و شب های تاسوعا و عاشورا گفت: ایستگاه صلواتی به مدت ۱۰ شب در مقابل مسجد پذیرای عموم عزاداران حسینی است و تمام فضای کوچک ها و محلات منطقه مناسب با ایام تاسوعا و عاشورا فضایی شده و به پرچم های عاشورایی آراسته شده است. همچنین در دهه اول محرم، ۱۱ شب برنامه سخنرانی و ذکر مصیبت برای نمازگزاران... نیز برگزار شده است.

وی افزود: یکی از کارهای خاصی که در مسجد صاحب الزمان (عج) انجام می شود، برپایی حسینیه کودکان است تا در هنگام عزاداری خانواده های یک مریب از بچه ها نگهداری کند. همچنین در روز تاسوعا و عاشورا این شام غریبان نیز برگزار شد به طوری که مردم در این ۲ شب در محله عزاداری می کردند.

وی اظهار کرد: در بخش خواهران سخنرانی با موضوع سبک زندگی حسینی نیز انجام شد تا با سبک و سیاق زندگی امام حسینی آشنا شوند. نیکزاد، از اعضای هیئت امنای مسجد فاطمه الزهرا (س) نیز با اشاره به برپایی هر ساله

مراسم شیرخوارگان حسینی در این مسجد بیان کرد: در این مسجد نیز مراسم شیرخوارگان حسینی هر سال با حدود ۱۰۰۰ نفر برگزار می شود. افزون بر این در عصر عاشورا، مراسم شام غریبان نیز برگزار می شود. در ادامه مقابل مسجد نمایشنامه خوانی و شبیه خوانی و در انتها خیمه سوزی انجام می شود که با هدف نشان دادن واقعه عاشورا و هر چه ملامتس تر کردن آن واقعه برای مردم است.

فروتن، یکی از اعضای هیئت امنای مسجد پنجتن نیز درباره برنامه های این مسجد در ایام محرم و تاسوعا و عاشورا اظهار کرد: در این مسجد و شام غریبان مراسم خیمه سوزان ابا عبد الله حسین (ع) انجام می شود و معمولاً هم زمان با تاسوعا و عاشورای حسینی به قبرستان شهرک حجت می رویم تا ثوابی از آن عزاداری به روح آن هایی که دستشان از این دنیا کوتاه است و نیازمند چنین دعاهایی هستند، برسد. رضا خیری مسئول هیئت شهدای شهرک لشکر هم از ایده متفاوتی که امسال برای اولین بار آن را اجرا کردند صحبت کرد و گفت: تعزیه خوانی از هنرهای قدیمی ایران است و ما امسال تصمیم گرفتیم که در بعضی از شب های خاص محرم مثل روزی که متعلق به حضرت قاسم یا علی اکبر است، به جای نوحه خوانی های مرسوم، تعزیه راه بیندازیم. اتفاقی که هم با استقبال مردم رو به رو شد و هم حال و هوای دیگری به هیئتمان داد.





بازدید مدیرعامل
سازمان پایانه‌های
مسافربری از پروژه
انتقال پایانه معراج

shahraranews.ir

۵۵

۳ روایت از اشقیای تعزیه خوانی

شمرهایی که برای امام

گل دفتر

۵۶

محمد کاملان

خیلی دل و جرئت می‌خواهد که لباس شقی‌ترین آدم روی زمین را بپوشی و نقشش را بازی کنی. مخالف خوان‌های تعزیه را کسی دوست نداشت و ندارد. برای مردم شمر، شمر است. چه آنکه در صحرای کربلا سر از تن امام جدا کرد، چه آن کسی که در تعزیه نقشش را بازی می‌کند. هر دو را به



● موافق خوانی که شمر شد!

حاج حسن فضلی، شناسنامه‌ای ۹۰ ساله است. اما مثل همه هم‌سن و سال‌های خودش می‌گوید شناسنامه‌اش از خودش دست‌کم ۶-۵ سال کوچک‌تر است و بعد شروع می‌کند به تعریف کردن ماجرای آن روزی که می‌خواستند برایش شناسنامه صادر کنند و پدرش که مخالف سرسخت رضاخان بود، اجازه این کار را نمی‌دهد: «پدرم روضه خوان و شبیه خوان امام حسین (ع) بود و از آن مذهبی‌های سرسخت. من که بچه بودم و یادم نمی‌آید، اما مادر خدایا مرزم می‌گفت زمانی که روضه خوانی را رضاخان ممنوع کرد، پدرم به هیچ عنوان قید روضه خوانی و شبیه خوانی را نزد او اجازه نداد چراغ روضه‌های مردم که برایشان نوحه خوانی می‌کرد خاموش شسود. با هزار بدبختی و قایم باشک بازی و حتی پول دادن به آژان‌هایی که می‌خواستند بروند خبر بدهند و روضه را تعطیل کنند، روضه را برگزار می‌کردند. یک بار هم اسیر دست‌نظمیه‌چی‌ها شده بود و این تصویر هنوز یادم هست، وقتی که از بازداشتگاه شهر یانی آزاد شد، این قدر کتکش زده بودند که یک جای سالم در صورت و تنش نبود و همسایه‌ها زیر بغلش را گرفتند و او را تا خانه آوردند. همین پدر که در خانه و روی منبر و شبیه‌خوانی‌ها به هر صورت و شکلی به رضاخان فحش می‌داد و بدبیراه می‌گفت، طبیعی هم هست که اجازه ندهد برای پسرش شناسنامه صادر کنند. هر چه که مأمور ثبت احوال آن زمان به زبان خوش به پدرم گفت فایده نداشت، خدایا مرز اصرا را آخر مأمور را با یک سیلی آب‌درد جواب داد. او هم رفت مأمور آورد و باز نظمیه‌ای‌ها پدرم را وارد کردند که برای من شناسنامه بگیرد و گرنه زیر بار نمی‌رفت که نمی‌رفت. البته مأمور نظمیه شتر طرز صیانت و بازداشت نکردن پدرم را تعیین کرده که مأمور ثبت احوال یک سیلی مثل همانی که خورده بود به پدرم بزند. او هم نامردی نکرد و زد.»

حاج حسن شبیه‌خوانی و تعزیه خوانی رازی دست پدرش یاد گرفته است و هنوز همان نسخه‌های قدیمی تعزیه را که با دستخط پدرش نوشته شده است، دارد. وقتی که حرف از تعزیه می‌شود، حاجی که حالا نقشش خیلی یاری نمی‌کند، همان طور که در بستر بیماری خوابیده ۵-۴ دقیقه‌ای برایمان مجلس علی اصغر را اجرا می‌کند. خودش می‌شود عمر سعد و حرمله، نوده ساله‌اش هم که شاید تنها میراث‌دار این خانواده برای زنده نگه داشتن تعزیه است، امام حسین (ع) را شبیه‌خوانی می‌کند. یک نمایش دو نفره که عمر سعدش درست در جایی که می‌خواهد به حرمله دستور بدهد تا به سمت علی اصغر تیر سه شعبه پرتاب کند، می‌زند زریگر و قس علی هدا. حاج حسن که کمی آرام‌تر می‌شود، شروع می‌کند به تعریف کردن ماجرای اربیه خانوادگی‌شان، یعنی تعزیه خوانی: «دقیق نمی‌دانم، اما بچه‌ها که بودم شنیدم پدرم بزرگم از تعزیه خوان‌های تکیه دولت تهران بود و بعد این فن را به پدرم آموخت داده است. خدایا مرز هم روضه خوان بود، هم تعزیه خوانی می‌کرد. گرو همان هم خانوادگی بود و کسی از بیرون برای نقش هانمی آوردیم. یک عمویم که فوت شد، مخالف خوانی‌ها را انجام می‌داد، پدرم که صدای خوش تری داشت، امام حسین (ع) و حضرت عباس و گاهی هم علی اکبر می‌خواند. بقیه نقش‌ها را هم به تناسب تقسیم می‌کردند. ما بچه‌ها تا ۷-۸ سالگی نقش طفل‌های حادثه کربلا را بازی می‌کردیم.»

از حاجی می‌پرسم شما که پدرتان موافق خوان تعزیه بود، چرا شمر شدید؟ در پاسخ می‌گوید: «من نقش موافق هم بازی کردم، اما نه زیاد. یادم هست اولین باری که به صورت خیلی جلدی نقش قاسم را به من دادند. تعزیه که تمام شد، دیدم پدرم در فکر است و حالش خوب نیست. این قدر اصراش کردم تا بالاخره لب باز کرد و دلیل ناراحتی‌اش را گفت. خدایا مرز می‌گفت، حال مردم در تعزیه به امشب خوب نبود و معلوم بود که هیچ چیز را باور نکردند. یادم هست مدام می‌زدر روی دستش و می‌گفت: «آخرالزمان شده و مردم قسی‌القلب! بس که مال حرام خورده‌اند.» خلاصه چند روز از این ماجرا گذشت تا اینکه یک روز عمویم به پدرم گفت: «حسن به درد موافق خوانی نمی‌خورد. بگذار یک بار مخالف بخواند، ببینیم چه می‌شود.» درست یاد نیست، ولی فکر کنم نقش پسر عمر سعد را به من یاد دادند و اولین تک تک تعزیه را هم همان جا خوردم. تعزیه تمام شد و داشتیم می‌رفتیم به سمت خانه که یک پیر مردی آمد جلو، همه زوروش را در دستش جمع کرد و چنان کشیده‌ای به صورتم زد که هر وقت این ماجرا را برای کسی تعریف می‌کنم، بعد از ۷۰ سال رد آن سیلی دوباره درد می‌گیرد. من از آن روز به بعد دیگر رنگ موافق خوانی را ندیدم و شدم شمر تعزیه.» حاج حسن و خانواده‌اش دهه ۵۰ مشهده به یکی از شهرهای کوچک اطراف کوچ می‌کنند، اما تعزیه خوانی‌شان تعطیل نمی‌شود. حاجی می‌گوید: «ما یک جورهایی دوره گرد بودیم. هر سال محرم سر از یک شهری در می‌آوردیم. آن زمان مردم برای تعزیه به سر و دست می‌شکستند و من هر چه بگویم باور نمی‌کنید که چه جمعیت زیادی برای دیدن تعزیه می‌آمد. چه اشکی هم می‌ریختند. گاهی وقت‌ها پدرم که سر پرست گروه بود، وقتی می‌دید مردم بیش از حد از خود بی خود شده‌اند، اشاره می‌کرد که یک جاهایی را به قول شما سانسور کنیم که خدایی نکرده کسی از شدت غم حالش بد نشود یا اینکه سکنه نکنند.» حاجی رادر ولایت خودشان هنوز «حسن شمر» صدا می‌کنند. صفتی که با ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی‌اش خیلی جور در نمی‌آید. خیلی سخت است و حتی شاید کم لطفی که به پیر مرد دل‌نازکی که تا اسم امام حسین (ع) می‌آید، چشمانش پر اشک می‌شود و غم‌ش رادر راه خدمت به ابا عبد... صرف کرده بگوید شمر. حاج حسن اما برخلاف تصور ما از این موضوع ناراحت نیست. چرایی‌اش را این طور توضیح می‌دهد: «همین که امام به من نفسی داده تا نقش شمر تعزیه‌اش را بازی کنم، برای من بس است. این توفیق نصیب هر کسی نمی‌شود که بتواند برای ابا عبد... (ع) روضه خوانی کند. من هم هیچ گله و شکایتی از کسی ندارم و خدا شاهد است با احد الناسی به دلیل لقب شمر دادن به من برخورد زشت و قه‌ری نکرده‌ام. پشت سرم زیاد حرف می‌زنند. مثلاً می‌گویند: «حسن فضلی این قدر نقش شمر بازی کرده که قیافه‌اش هم مثل او شده است.» یا به زعم می‌گفتند «اخلاق شوهرت در خانه هم مثل شمر است؟» من اما گفتم یک گوشه در است و گوش دیگرم دروازه. رضایت خدا و آقا ابا عبد... (ع) برام مهم است و بس. اینکه اسم من رادر بین نوکرها و روضه‌خوان‌های بنویسند از همه چیز برام مهم‌تر و با ارزش‌تر است. بگذار مردم هر چه می‌خواهند بگویند. بچه‌های ما این طور نیستند. بارها به دلیل اینکه بهشان گفته‌اند پسر حسن شمر با مردم دعوا کرده‌اند که چرا به خانواده ما چنین لقبی می‌دهید و شمر شما هستید که سر مردم را کلاه می‌گذارید و چه و چه و چه.»

● هیچ کس شمر تعزیه را تحویل نمی‌گیرد

مخالف خوانی توی خوششان است. از زمانی که یادش می‌آید، پدر بزرگ و پدرش مخالف خوان تعزیه بوده‌اند و حالا ۴۰ سالگی می‌شود که این ارث به او رسیده است و اگر تعزیه و تعزیه خوانی وجود داشته باشد، احتمالاً پسر و نوه‌هایش نسل بعدی مخالف خوان‌های خاندان آن‌ها خواهند بود. آزادی می‌گوید: «به قول این کارگردان‌ها و هنرمندان امروزی، ما خانوادگی می‌میمیک چهره و صدایمان به مخالف خوانی می‌خورد. از پدر بزرگم گرفته تا من و پسرهایم، پدرم یک بار آمده بود سنت شکنی کند و نقش موافق را بازی کرده بود، اما این قدر بد از کار در آمده بود که عطای این کار را به لقایش بخشید و به ما هم وصیت کرد که به هیچ وجه سمت و سویی موافق خوانی نروید که ماقط برای شمر و عمر سعد بودن ساخته شده‌ایم و بس.»

حاج عبد... که از سبک و سیاق عزاداری و مراسم‌های امروزی شاکی است و دل‌پُری دارد، می‌گوید اشکی که مردم برای تعزیه می‌ریختند از ته دل بود و بعد ادامه می‌دهد: «ما برای اینکه مردم گریه نکنند، خودمان

را به در و دیوار نمی‌زدیم و به دروغ گفتن متوسل نمی‌شدیم. اشعار سبک و بی‌محتوایی هم نمی‌خواندیم. هر آن چه که در صحنه کربلا گذشته بود بی‌کم و کاست برای مردم روی صحنه اجرا می‌کردیم. برای همین مردم از ته دل اشک و به یاد مصیبت‌هایی که به اهل بیت در کربلا گذشته بود گریه می‌کردند نه چیز دیگری. قدیم‌ترها مجلس تعزیه چنان ارج و قربی داشت که نگو و نپرس. مردم اگر نذر و نیازی و حاجتی داشتند، یا می‌خواستند بهبودی کسی را بگیرند، چیزی نذر مجلس تعزیه امام حسین (ع) می‌کردند، یا می‌رضشان را می‌آوردند یک گوشه از مجلس می‌نشاندند. پدر من خودش چندین بار شاهد این ماجرا بود که بیشتر از این نمی‌توانم برایتان درباره‌اش صحبت کنم. نه فقط تعزیه که همه مجالس روضه بی‌ریا بود و کسی دنبال تجمل و این چیزها در روضه نبود. خدا نکند از کسانی که روضه امام حسین را با کارهای این چنینی مزوج کردند و همه چیز را از آن شکل اصیل خودش خارج کردند.»

«هیچ کس ما مخالف خوان‌ها را تحویل نمی‌گرفت و نمی‌گیرد.» حاج عبد... با این جمله بحث را عوض

می‌کند و در پاسخ به چرایی که ما بعد از گفتن این جمله مشتری داشت، ما مدام از این شهر به آن شهر می‌رفتیم لطفی که داشتند، ما را دعوت می‌کردند خانه‌شان که از ایستاده بود و همین که خواستیم بروم داخل، اخمی کردیم. بدم‌ادر ایست و من ماندم بیرون.» یک بار دیگر هم لباس قرمز شبیه شمر تنم بود و هنوز نوبتم نشده بود که من هم بدهد. اول از همه با عصبانیت شروع کرده بودم آب‌راری امام‌پستی، حالا از من آب می‌خواهی. این ۱۴۰۰ سال پیش هستم که الان آب را به روی خیمه‌ها می‌ریزی که بکنند. اگر مردم کنترل‌ش نمی‌کردند جلوش

مدیرعامل سازمان پایانه‌های مسافربری شهرداری و شهردار منطقه ۱۰ از پروژه انتقال موقت پایانه معراج بازدید کردند.
به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه، در این بازدید که با حضور مدیر اجرایی سازمان پایانه‌های مسافربری شهرداری مشهد، مدیر اجرایی پروژه ایستگاه سوار میشاق و معاون فنی

اجرایی انجام شد، طرفین از آماده‌سازی زیرساخت‌های این ایستگاه واقع در بزرگراه آزادی بازدید کردند و از نزدیک در جریان روند اقدامات و پیشرفت یکی فعالیت‌ها قرار گرفتند.
همچنین در این برنامه گزارشی از روند توسعه این ایستگاه ارائه شد که در باره راهکارهای خدمات‌رسانی بهتر به زائران بارگاه قدس رضوی مذاکره و تبادل نظر شد.

حسین (ع) گریه می‌کنند

یک چوب می‌رانند. برای همین است که هیچ‌کسی حاضر نبود مخالف خوان و شمر تعزیه اباعباد... باشد. چون همه یک جور دیگر نگاهش می‌کردند، انگار که او در کربلا روبه‌روی امام ایستاده بود. آنچه در ادامه می‌خوانید ۳ روایت از ۳ شمر تعزیه امام حسین (ع) در منطقه ۱۰ است که البته خیلی وقت است دیگر تعزیه نمی‌خوانند!



● شمر تعزیه نباید گریه کند

با حسرتی عجیب می‌گوید: «الان که تعزیه و شبیه‌خوانی‌ای وجود ندارد. کسی هم امروز از این کارها خوشش نمی‌آید. فکر می‌کنند آمده‌اند تئاتر تماشا کنند. اصلاً درکی از تعزیه‌خوانی ندارند. برای همین امروز تعزیه و شبیه‌خوانی مشتری ندارد. ۳۰-۲۰ سال پیش که گروه تعزیه‌خوان زیاد نبود، مردم سر و دست می‌شکستند و حتی ما عید قربان هم شبیه داستان حضرت ابراهیم و اسماعیل را اجرا می‌کردیم. از دهه اول محرم تا دهه آخر صفر وقت سرخاراندن نداشتیم و دائم از این شهر به آن شهر و از این روستا به آن روستا می‌رفتم و برنامه اجرا می‌کردیم.»
حسینعلی قادری مقدم تقریباً ۵۵ سال است که تعزیه‌خوانی را کنار گذاشته است. آن هم به توصیه دکترها که گفته‌اند دیگر قلب و نفست برای خواندن تعزیه یاری نمی‌کند و باید کم‌کم میدان را به جوان‌ترها واگذار کنی، اگر به خودش بود بعید بود حالا حالاها دست از این کار بکشد و می‌گوید که دوست داشت روی صحنه تعزیه امام حسین (ع) جان بدهد. قادری نه پدر تعزیه‌خوانی داشت و نه هیچ‌کدام از اجدادش شبیه می‌خواندند: «بچه که بودم، بیماری سختی می‌گیرم. طوری که دکترها جوابم کرده بودند. پدر و مادرم نذر می‌کنند که اگر امام حسین (ع) من را بپوشد بدهد، باز یگر تعزیه بشوم. همین طور هم شد. آن طور که برایم تعریف کرده‌اند، یک هفته بعد از این نذر، بیماری من به طرز معجزه‌آسایی خوب می‌شود و پدرم من را، که آن سال‌ها در تهران زندگی می‌کردیم، می‌سپرد دست دوست تعزیه‌خوانش. بیشتر از ۶-۷ سال نداشتیم و برای همین تا مدت‌های مدیدی نقش اطفال را به من می‌دادند تا بازی کنم. از طفلان مسلم گرفته تا حتی دختر بچه‌هایی که در صحرای کربلا بودند. سلسله مراتب تعزیه این طور بود. نمی‌شد کسی وارد کار تعزیه شود و از همان اول امام‌خوان شود. باید بدله بالا می‌آیدم. اول از همه کودکان صحرای کربلا را بازی می‌کردیم، بعد اگر کارمان خوب بود و مورد تأیید معین‌اللبا، قاسم را به ما می‌دادند و بعد نوبت به علی‌اکبر می‌رسید. تازه اگر صدای خوبی داشتیم. من صدای خوبی داشتم و به مرحله علی‌اکبر خوانی هم رسیدم، اما دست تقدیر من را شمر تعزیه کرد.»

قادری بدون هیچ سؤالی و مقدمه‌ای یک راست می‌رود سر اصل مطلب و می‌گوید: «یک روز قبل از اجرای تعزیه، کسی که شبیه شمر را بازی می‌کرد، تصادف سختی کرد و خانه‌نشین شد. این اتفاق زمانی افتاد که قرار بود بیاید برای تعزیه، مردم در محوطه جایی که می‌خواستیم اجرا کنیم، گوش تا گوش نشسته بودند و منتظر اجرای ما بودند. تعزیه هم که بی‌شمر نمی‌شد. در تعزیه‌خوانی هیچ‌کس برای مخالف خوانی به ویژه شمر، پیش قدم نمی‌شود. چون تبعات دارد و خیلی‌ها حتی آن را بدشگون می‌دانند. نمی‌دانم چه شد که بعد از کلی این پا و آن پا کردن و کلنجار رفتن با خودم، گفتم که من شمر را بازی می‌کنم. عجب شمری هم شد چشم‌مان روز روز بنیند، اواسط تعزیه یک نفر از میان جمعیت آمد بیرون و از خجالتش مرد آمد! این قدر خوب بازی کردم که معین‌اللبا تعجب کرد. می‌گفت انگار تو سال‌هاست شمر خوان هستی. به همین راحتی شدم شمر تعزیه.»

طبق قانون نانوشته‌ای، مخالف‌خوان‌ها، به ویژه شمر حق گریه کردن ندارند. حتی در آن صحنه‌ای که باید سر امام را از تن جدا کنند. قادری می‌گوید «این سخت‌ترین کار دنیاست که غم‌انگیزترین صحنه عالم را بازی کنی، اما گریه نکنی.» ادامه می‌دهد: «کسی نگفته که شمر اصلاً نباید گریه کند؛ اما این کار با روح تعزیه جور در نمی‌آید و باید هر طور شده جلوی خودمان را بگیریم اما یک‌وقت‌هایی نمی‌شود. یک بار در شهر کرد شب عاشورا اجرا داشتیم. حال خوبی نداشتیم، اما چاره‌ای نبود و باید تعزیه اجرا می‌شد. به صحنه سر بردن که رسیدیم، نتوانستیم کاری بکنم و ناخودآگاه زدم زیر گریه. اصلاً مراسم به هم ریخت. بار دیگر هم در تعزیه‌ی علی‌اصغر این اتفاق افتاد. خودم آن موقع تازه نوه‌دار شده بودم و مدام این صحنه مقابلم تجسم می‌شد که اگر من جای امام بودم و نوه ۵-۴ ماهه‌ام در عطف می‌سوخت و بعد روی دستم سرش با تیر سه شعبه بریده می‌شد، چه کار می‌کردم. همین حال دگرگون و تصویری که مدام در ذهنم رژه می‌رفت، کار خودش را کرد و تعزیه‌ی علی‌اصغر را با گریه اجرا کردم.»

حاج حسینعلی هم مثل همه شمر‌خوان‌های تعزیه کم از دست مردم کتک نخورده است. کتک‌هایی که می‌گوید جزء جدانشدنی کارشان است و نشان می‌دهد که تعزیه چه قدر هنر باورپذیری است: «آن اوایل که تازه پدرم من را دست گروه تعزیه سپرده بود، در یکی از تعزیه‌ها وقتی سنان بچه‌ها را می‌زد، یک نفر خودش را از میان جمعیت به ما رساند و بنده خدا را تا جایی که می‌خورد کتک زد. این بلا سر من هم آمده است. یک بار در صحنه‌ای که داشتم سر امام را جدا می‌کردم، یک نفر پاره‌آجر به سمتم پرت کرد که اگر کلاه خودم سرم نبوده، الان جان به جان آفرین تسلیم کرده بودم. یک بار دیگر هم با چاقو به من حمله کردند و طرف واقعاً آمده بود که شمر را بکشد. هر چه مردم و بقیه بچه‌ها می‌گفتند که بابا جان! شمر ۱۴۰۰ سال پیش به دست مختار کشته شده است و این بنده خدا فقط دارد نقش را بازی می‌کند، حالی اش نمی‌شد. بگذریم که وسط تعزیه گاهی اوقات انواع و اقسام فحش‌های ناموسی را به شمر و مخالف‌خوان‌ها می‌دهند، یک استکان آب دستمان نمی‌دهند و حتی اجازه نمی‌دهند که روی فرش خانه‌شان قدم بگذاریم. گاهی اوقات این توهین‌ها، کتک‌ها، مسخره کردن‌ها و خیلی از کارهای دیگر به اندازه‌ای زیاد می‌شد که به این فکر می‌افتادم کلاً تعزیه و تعزیه‌خوانی را ببوسم و بگذارم کنار. اما خود حضرت توان فوق‌العاده‌ای به من می‌داد و این فکرها از سرم بیرون می‌رفت.»

خیلی‌ها فکر می‌کنند که تعزیه‌خوان‌ها در قدیم، مثل برخی از مداحان و گروه‌های تعزیه به امروزی پول می‌گرفتند و تعزیه اجرا می‌کردند و اجرای بدون پول و پاکت امکان‌پذیر نبود. ادعایی که قادری مقدم آن را رد می‌کند: «پول گرفتن کجا بود. اگر مردم پولی نذر تعزیه می‌کردند، صاحب تعزیه آن را قبول می‌کرد و اصلاً نگاه نمی‌کرد که چقدر است. گاهی همان پول را هم خرج مجلس امام حسین می‌کرد و نه ما ریالی از آن پول بر نمی‌داشتیم. خیلی وقت‌ها هم اصلاً رایگان مجلس اجرا و از جیب خودمان هم خرج می‌کردیم.»

می‌کشیدند. خود من در شهر و روستایمان هر جامی رفتم خواستگاری به من دختر نمی‌دادند. دلیلش هم که واضح است. می‌گفتند به شمر جماعت دختر نمی‌دهیم. آخر سر مادر رفت از شهر دیگری برایم دختر گرفت. همان جلسه اول هم گفت که پسر من شمر تعزیه‌است پلدر خانم خدایا! مرز که خودش روحانی بود، گفته بود «همین که برای امام حسین (ع) تعزیه می‌خواند کافی است. موافق و مخالف خوانش خیلی توفیری ندارد.» حاج آزادی سرسوزنی بشیمان نیست که چرا مخالف‌خوان تعزیه شده و هیچ‌وقت هم لب‌به‌ناشکری باز نکرده است. با وجود اینکه بارها از دست مردم کتک خورده و همه او را به چشم یک شمر نگاه می‌کنند، نه عبدا... آزادی روضه‌خوان «هدف از تعزیه‌خوانی این است که راه رسم امام حسین (ع) زنده بماند و حادثه عظیم عاشورا به دست فراموشی سپرده نشود. بعضی‌ها به من می‌گفتند، مخالف‌خوانی تعزیه هیچ ثوابی ندارد و کم‌کم بر سر او موافق‌خوانی. اما من چنین عقیده‌ای ندارم. هر کسی که برای اباعبدا... قدمی بردارد و مجلس روضه‌تعمزیه‌ای برپا کند، برایش ثواب می‌نویسند. حالا چه شبیه‌شمر را بخواند، چه شبیه‌علی‌اکبر.

کار دستم می‌داد. این رفتارها از قدیم بوده و هست. سال گذشته رفته بودیم یکی از همین روستاهای اطراف، تعزیه‌خوانی که تمام شد، پیر مردی آمد و با همان چوب دستی چو پانی اش طوری به سر پسرم ضربه زد که سرش ده، دوازده بخیه خورد. پدرم به نقل از پدرش تعریف می‌کرد که قدیم ترها همه موافق‌خوان‌ها را روی سرشان می‌گذاشتند، جایشان همیشه بالای مجلس بود و از ارج و قرب خاصی برخوردار بودند. اما کسی که شمر و عمر سعد می‌خواند، منقورترین آدم روی زمین بود از نگاه مردم. در کوچه و بازار که جواب سلامش را به زور می‌دادند. بعضی از مغازه‌دارها که اصلاً به این بخت برگشته‌ها جنس نمی‌فروختند. یعنی اصلاً اجازه نمی‌دادند که پایشان را داخل مغازه بگذارند. می‌گفتند خیر و برکت از کار و کاسبی مان می‌رود. هر چه این بنده‌خدا می‌گفت: «شمر را مختار کشته است و من فقط یک بار در سال نقشش را بازی می‌کنم» اما کسی به خرجش نمی‌رفت. هر کاری بدی هم که از آن‌ها سر می‌زد می‌گفتند: «شمر است دیگر! کاری اش نمی‌شود کرد. خلق و خو و حالش همین است.» برای همین کسانی که در تعزیه مخالف‌خوان می‌شدند، خیلی سختی

تحویلیش می‌دهیم، می‌گوید: «سال‌ها قبل که تعزیه می‌تیم که تعزیه اجرا کنیم، مردم هم گاهی وقت‌ها از سر ما پذیرایی کنند. یادم می‌آید یک بار، صاحب‌خانه دم‌در دو گفتم: «من همین مانده که در خانه‌ام به شمر ناهار در تعزیه یک آقایی داشت با مشک به همه آب می‌داد. به بروم روی صحنه، صدایش کردم که یک لیوان آب به شش دادن و بید و بیراه گفتن که توی کافر نامردنا مسلمان قدر تعزیه برایش باور پذیر بود که فکر می‌کرد من شمر می‌باشم. ام، داشت می‌آمد به سمتم تا با من برخورد نمی‌گرفتند، با آن حجم از عصبانیتی که من دیدم، قطعاً



وقتی که آب شهر مشهد را قنات‌های قاسم آباد تأمین می‌کردند

این قنات از تمیزترین آب‌های شهر است...

هم محلی

باغ مستوفی مشهد، حوض نصرت‌الملک و حوض مونس که اثری از آن‌ها نیست، از جمله مکان‌هایی بود که بارکن‌آباد قاسم‌آباد سراب می‌شده است.

تمیزترین آب شهر

از دیگر قنات‌های معروف قاسم‌آباد، قناتی موسوم به آب منبع است که مثل بقیه قنات‌های سراب‌کننده مشهد، خشک شده و از بین رفته است. درست مثل رکن‌آباد ابتدای این قنات هم از قاسم‌آباد شروع می‌شد و مظهرش در باغ منبع، جایی پشت دروازه سراب بود.

مرحوم مدرس رضوی در گزارش مکتب شاهپور درباره آب منبع می‌نویسد: زمین‌های باغ منبع و مسجد گوهرشاد از طریق قنات آب منبع مشروب می‌شود. از باغ منبع لوله‌ای کشیده شده است که از محله سراب و چهارباغ و بازار بزرگ گذشته، به مسجد گوهرشاد منتهی می‌شود. به واسطه همین لوله و نیز به علت

نام قاسم‌آباد برای اولین بار زمانی به صورت جدی مطرح شد و به قول معروف در دهان‌ها افتاد که مهندس خازنی و همکارانش در سال ۱۳۵۶ اولین طرح تفصیلی مشهد را نوشتند و با برآوردی که از جمعیت مشهد داشتند، به این نتیجه رسیده بودند که شهر مشهد باید به سمت غرب گسترش پیدا کند و برای این کار جایی بهتر از قاسم‌آباد که

تلی از زمین‌های بایر خالی از سکنه داشت پیدا نکردند و گرنه تا پیش از آن این بخش از شهر مشهد برای مشهدی‌ها کلاً ناشناخته بود و آن‌طور که در اسناد و نوشته‌های تاریخی آمده است، آن‌هایی که ناچار از این منطقه باید عبور می‌کردند، با وجود اینکه ۲ روستای آباد امامیه و قاسم‌آباد بر سر راهشان قرار داشت، دائم ذکر می‌گفتند و نذر و نیاز می‌کردند که اسیر دست راهزن‌ها نشوند و به قول خودشان از این مسیر دهشتناک عبور نکنند. البته نام قاسم‌آباد خیلی قبل‌تر از طرح خازنی و سفرنامه ناصرالدین شاه، در وقت‌نامه معروف یلدش بیگ آمده و جالب است که آن زمان اینجا را به نام قریه یوسفیه می‌شناختند.

در واقع خیابان یوسفیه امروز که سردمدار تخلفات ساختمانی در منطقه است، بخشی از آن قریه بزرگی بوده که یلدش بیگ وقف مصرف شب‌های احیای ماه رمضان و تأمین هزینه سالانه سوخت صحن مقدس و مسجد گوهرشاد می‌کند و البته امروز چیزی از اراضی قاسم‌آباد در تصرف وقف یلدش بیگ نیست. آن‌طور که مهدی سیدی در کتاب نگاهی به جغرافیای تاریخی شهر مشهد نوشته، از نیمه دوم قرن ۱۳ هجری قمری در محل یوسفیه پیشین روستای قاسم‌آباد شهرت یافته است. روستایی که برای مشهدی‌ها بسیار مهم بوده است، چون بخشی از چاه‌ها و قنات‌هایی که آب شرب مشهد را تأمین می‌کردند، در اراضی قاسم‌آباد حفر شده بودند.

آبی که رنگ و روی مردم مشهد را باز می‌کرد

رکن‌آباد یکی از معروف‌ترین این قنات‌ها بود که معمرین و قدیمی‌های مشهد اسم و وصفش را زیاد شنیده‌اند.

قناتی که می‌گفتند آبش سبک است و گر ماه‌هایی که از آب رکن‌آباد استفاده می‌کردند همیشه شلوغ بودند. چون مردم اعتقاد داشتند که این آب رنگ و رویشان را باز می‌کند. براساس گزارش مکتب شاهپور مبدأ این قنات جنوب قاسم‌آباد بود و مظهرش پشت باغ منبع و آن‌طور که پیرمردهای مشهدی تعریف می‌کنند، بخشی از آب رکن‌آباد درست از وسط باغ ملی عبور می‌کرد، اراضی

۵۸

کاملان

“

نام قاسم‌آباد خیلی قبل‌تر از طرح خازنی و سفرنامه ناصرالدین شاه، در وقت‌نامه معروف یلدش بیگ آمده است

”



آنکه روی مجرادر همه جاییش از ورود به منبع پوشیده شده است، این آب از تمیزترین آب‌های شهر است.

سرپرست اداره کل بهبود محیط زیست شهری شهرداری مشهد از بهره‌برداری تعدادی بوستان جدید در منطقه ۱۰ خبر داد. سیدعلی اکبر انتظام، با اعلام این خبر افزود: پیش‌بینی می‌شود تا پایان امسال تعداد ۳۰ پروژه فضای سبز با مساحتی بالغ بر ۳۳ هکتار در مناطق حاشیه‌ای و کم‌برخوردار شهر به بهره‌برداری برسد و تاکنون بالغ بر ۳۸ میلیارد تومان اعتبار برای این

پروژه‌ها صرف شده است. وی افزود: ۱۹ پروژه از ۳۰ پروژه فضای سبز با مساحتی بالغ بر ۲۵ هکتار و اعتباری حدود ۲۶ میلیارد تومان افتتاح شده است و ۱۱ عنوان پروژه دیگر هم با مساحتی بالغ بر ۸ هکتار و اعتباری بالغ بر ۱۲ میلیارد تومان تا پایان سال به بهره‌برداری می‌رسد. بخشی از این بوستان‌ها در قسمت‌هایی از محدوده شهرداری منطقه ۱۰ افتتاح خواهد شد. ■

V

هفته نامه محلی مردم مشهد / شماره ۳۵۲ / چهارشنبه / ۲۰ شهریور ۹۸

هنوز هم بسیاری از مردم پساب خانگی را به کوچه‌ها هدایت می‌کنند

به قیمت جان مردم!

در محله

۵۹
استادی

رها سازی پساب خانگی در معابر عمومی قصبه پرغصه بیشتر محلات مناطق پیرامونی شهر مشهد است. تا به امروز بر خورد های قهری و غیرقهری با متخلفان فایده‌ای نداشت و آن‌طور که به نظر می‌رسد جریمه‌های در نظر گرفته شده چندان بازدارنده نیست. چون هنوز وقتی پابه برخی از این محلات می‌گذریم، اولین بویی که به مشاممان می‌رسد، بوی گند فاضلاب است. برخلاف بسیاری از محله‌های کم‌برخوردار مشهد که هنوز اندر خم یک کوچه اتصال به طرح آگو مانده‌اند، محله امام هادی (ع) تقریباً یکی، دو سالی هست که به این طرح متصل شده است و مالکان به جمع کردن چاه‌های فاضلاب و اتصال به این طرح ملزم هستند.



با این حال اما تعداد زیادی از منازل این محله ترجیح داده‌اند که از همان روش قدیمی و غیر بهداشتی دفع پساب استفاده کنند. برای همین هم در کوچه پس کوچه‌های خیابان توس و امام هادی کم نیستند خانه‌هایی که یک لوله از حیاطشان به داخل جوی خیابان کشیده‌اند و پساب حمام و دستشویی و آشپزخانه را به آنجا هدایت می‌کنند. بعد درست در کنار یکی از همان گنداب‌های حاصل از پساب خانگی بچه‌ها ۷-۶ ساله مشغول بازی هستند و خودشان وارد این گنداب می‌شوند یا توپ و بقیه اسباب بازی‌هایشان داخل آن می‌افتد و معلوم نیست که بعد از لمس آن وسایل آلوده به فاضلاب چه برسرها می‌آید. ساکن این خانه وقتی که با اعتراض ما و یکی، دو نفر از اهالی در این باره رو به روی می‌شود، می‌گوید: من در این خانه مستاجر هستم و وظیفه مالک است که اینجارا به فاضلاب وصل کند نه من. فعلاً هم گفته که پولی برای این کارها ندارد.

یک کوچه آن طرف‌تر هم اوضاع به همین منوال است. ظهر یک روز گرم تابستانی، بوی فاضلاب رها شده از سوی ۳ خانه همه کوچه را برداشته و اهالی را شاک کرده است. رضایی، از ساکنان این کوچه، می‌گوید: «مالکان این ۳ خانه زربار اتصال به طرح آگونی روند.» و ادامه می‌دهد: «بارها هم به شهرداری و آبفا نامه نوشتیم و جریمه‌شان کردند، اما باز هم به تخلفشان ادامه می‌دهند. به این فکر نمی‌کنند که بچه‌های ما و خودشان به دلیل همین فاضلاب دستشویی و حمام بیمار می‌شوند و در این اوضاع و احوال گرانی، من کارگر به دلیل بی‌مالتی یک نفر دیگر باید از نان شبم بزنم و خرج دوا و دکتر بدهم.»

این اتفاق در بقیه کوچه پس کوچه‌های بولوار توس و محله امام هادی و خیابان آزادی به وفور در حال رخ دادن است و در گرمای تابستان بوی گند فاضلاب رها شده این خانه‌ها هم محله را پُر می‌کند و هم چهره کوچه و خیابان‌ها را زشت کرده است. هر آن هم ممکن است بچه‌هایی که دارند در کوچه بازی می‌کنند، به انواع

اقسام بیماری‌ها و انگل‌های روده‌ای دچار شوند. همه حرف مالکان متخلف این است که پولی برای پرداخت حق انشعاب ندارند که البته با وجود قسط‌بندی حق انشعاب در محله‌های پیرامونی مشهد، این صحبت‌ها بهانه‌ای بیشتر برای شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت است و طبیعی است کشیدن یک لوله از حیاط به جوی خیابان راحت‌تر و ارزان‌تر از اتصال به طرح آگوست.

رضا موسویان، کارشناس بهداشت محیط، در گفت‌وگو با شهردار محله به مخاطرات رها سازی پساب خانگی به خیابان اشاره می‌کند و می‌گوید: اولین خطری که با این کار مردم را تهدید می‌کند، شیوع بیماری‌های عفونی و انگلی است که بیشتر از همه کودکان در معرض آن هستند و امکان دارد که آن‌ها را تا سرحد مرگ هم ببرد. ضمن اینکه درصد و ریسک بروز سالتک هم تا حد زیادی بالا می‌رود و می‌دانید که در صورت گزش اثرات جبران‌ناپذیری خواهد داشت.

این کارشناس بهداشت محیط ادامه می‌دهد: اما ساز و کار قانونی برای برخورد با متخلفان پیش‌بینی شده است و در مناطق پیرامونی شهر مشهد اخطار به‌های زیادی برای مالکان متخلف صادر شده و از آن‌ها جریمه‌هایی هم دریافت و حتی انشعاب غیرقانونی فاضلابشان هم مسدود شده است. طبق ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیر بهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زاید، ریختن مواد مسموم کننده در رودخانه‌ها، زباله در خیابان‌ها و کشتار غیر مجاز دام، استفاده غیر مجاز فاضلاب خام یا پساب تصفیه‌خانه‌های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع است و مرتکبان چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد. ضمن اینکه تا جایی که من اطلاع دارم آب و فاضلاب می‌تواند انشعاب آب کسانی را که به طرح آگو متصل نشده‌اند تا زمان اتصال قطع کند که این کار در امام هادی و توس زیاد انجام شده است. ■

آی خبر

شهردار منطقه اعلام کرد

رضایت اهالی اولویت شهرداری در پروژه‌های پرمزاحمت

جلسه ستاد اجرایی شهرداری منطقه ۱۰ مشهد با حضور شهردار و مسئولان حوزه‌های اجرایی و رؤسای نواحی منطقه برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه، احمد حافظ در این جلسه با تأکید بر تسریع در اتمام پروژه‌های شهرداری بیان کرد: برای سرعت بخشیدن به پروژه و کلان پروژه‌های شهرداری منطقه، موانع موجود در قراردادها باید هر چه سریع‌تر برطرف شود. همچنین در پروژه‌هایی که برای شهروندان ایجاد مزاحمت می‌کند، لازم است رضایت اهالی جلب شود.

شهردار منطقه ۱۰ همچنین افزود: پیگیری‌های لازم در باره احداث پارک محلی آزادی، رفع آب گرفتگی‌های نهر گناباد، مرمت پیاده‌روهای منطقه، انجام خط‌کشی آسفالت در محور بزرگراه آزادی، تعریض پل عابر پیاده بزرگراه آزادی و همچنین بازبینی و به‌روزرسانی اسناد پارک خطی حاشیه بولوار امام علی (ع) از فلاحی تا شاهد باید به سرعت اجرایی شود.

گفتنی است در این نشست اعتبارات عمرانی و جاری سال ۹۸ و میزان جذب آن و روند پیشرفت فیزیکی پروژه‌های عمرانی، فضای سبز، خدمات شهری، ترافیکی و اقدامات انجام شده در حوزه فرهنگی منطقه نیز بررسی و پیگیری شد. ■



جلوگیری از ساخت ۲۳۹۳ ساختمان در محدوده شهرداری منطقه

شهردار منطقه ۱۰ مشهد از توقف عملیات ساخت و ساز ۲ هزار و ۳۹۳ ساختمان غیر مجاز از ابتدای امسال در منطقه خبر داد.

به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه، احمد حافظ با اعلام این خبر افزود: امسال بیش از ۲ هزار اخطار به برای جلوگیری از توقف عملیات ساخت و سازهای غیر مجاز صادر شده است.

وی با بیان اینکه اداره نظارت بر ساخت و ساز کنترل و بزه‌های روی پروانه‌های صادر شده از سوی شهرداری منطقه دارد، ادامه داد: کنترل یک هزار و ۳۰۵ مورد از مغایرات پروانه نظیر احداث طبقات غیر مجاز، واحد غیر مجاز، پیشروی طولی و ارتفاع غیر مجاز نیز با نظارت مستمر کارکنان اداره مهندسی و نظارت بر ساخت و سازهای منطقه انجام شد. حافظ همچنین از اجرای برخی از احکام قلع بنا خبر داد و تصریح کرد: از ابتدای امسال ۷۵۶ مورد از آرای کمیسیون ماده ۱۰۰ به متخلفان ابلاغ شده است و حدود ۴۸ مورد از احکام قلع بنا نیز طبق ضوابط امسال اجرایی شد.

شهردار منطقه ۱۰ در پایان افزود: بازدید فنی از ساختمان‌های در حال ساخت، رسیدگی به رعایت نکردن استحکام بنا و رعایت ضوابط ایمنی و نیز رسیدگی به ۹۸ مورد شکایات مردمی مبنی بر مزاحمت و مشرفیت از دیگر اقدامات شهرداری منطقه در ۶ ماه نخست امسال است. ■



آخرین خبر



۱۱

خیابان حجاب پیاده‌راه می‌شود

با هدف ایجاد فضاهای عمومی جدید شهری خیابان حجاب منطقه ۱۰ به پیاده‌راه تبدیل می‌شود.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی شهرداری مشهد، با هدف ایجاد فضاهای شهری عمومی جدید، احترام به مقیاس انسانی عابر پیاده و تبدیل فرایند پیاده‌روی به یک تجربه رضایت‌بخش و حذف وابستگی شهروندان به خودرو و کاهش ترافیک در مناطق پرتردد شهر مشهد ۱۰ خیابان مشهد پیاده‌راه می‌شود. براساس این گزارش، محور خیابان حجاب که بخش زیادی از مراکز بزرگ خرید غرب مشهد در دل آن قرار گرفته و از پرجمعیت‌ترین نقاط منطقه ۱۰ شهرداری است از جمله خیابان‌هایی است که در این طرح به پیاده‌راه تبدیل خواهد شد. همچنین کریدور بازار گلستان از سه راه ادبیات تا خیابان‌های دانشگاه، خیابان کوهسنگی و خیابان طبرسی به عنوان ۲ محور فاخر، دو طرف خیابان بازار رضا (ع)، کوچه شاهین‌فر، بازار سرشور، کوچه تعبدی، خیابان ایثار و شلوغ بازار گلشهر دیگر مناطقی هستند که در طرح پیاده‌راه‌سازی با اندیشه پیاده‌مداری مدنظر هستند.



۱۲

از اجرای سرعت‌گیر تا اصلاح هندسی معابر

شهردار منطقه ۱۰ مشهد از اجرای یک هزار و ۱۷۰ مترمربع خط‌کشی عابر پیاده در منطقه خبر داد.

به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه، احمد حافظ با اشاره به اهمیت آگاهی دادن به رانندگان و افزایش امنیت شهروندان، گفت: ۲۲ هزار متر طول خط‌کشی محوری از ابتدای امسال تا کنون انجام شد. امسال میزان اجرا و توسعه سرعت‌گیر پلاستیکی و لاستیکی ۲۱۲ متر طول و سرعت‌کاه ۵۰ متر مربع در منطقه است. همچنین رنگ‌آمیزی ۷۳ متر مربع سرعت‌گیر آسفالتی با هدف جلوگیری از حوادث احتمالی اجرایی شد. وی در ادامه افزود: طرح نصب ۱۹۰ تابلو انتظامی و ۱۰۸ تابلو هشدار و آخباری برای ایمن‌سازی معابر اجرایی شد. شهردار منطقه در پایان گفت: طرح‌های اصلاح هندسی ۲۳ تقاطع و ۵۲ مورد پاسخ‌گویی به مشکلات ترافیکی شهروندان نیز از دیگر اقدامات معاونت حمل و نقل و ترافیک منطقه است.



۱۳

رنگ‌آمیزی و شست‌وشوی معابر منطقه

شهردار منطقه ۱۰ از عملیات شست‌وشوی جدول‌ها و معابر منطقه ۱۰ مشهد به طول یک میلیون و ۴۱۷ متر از ابتدای امسال خبر داد.

به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه، احمد حافظ با بیان این خبر گفت: شست‌وشوی ۲۰۵ هزارمتر طول از نرده‌های ترافیکی در راستای ارتقای بهداشت محیط انجام شد. حافظ با اشاره به شست‌وشوی المان‌های مهم شهری ادامه داد: ۴۰ هزار و ۹۹۰ المان شهری با هدف حفظ سلامت و رفاه حال شهروندان نظافت و شست‌وشو شد. وی با بیان اینکه از این پس دسترسی و آدرس‌دهی بهتری در منطقه خواهیم داشت، خاطر نشان کرد: نصب و تعویض ۷۱ تابلو اسامی معابر نیز با رویکرد دسترسی و آدرس‌دهی راحت مردم امسال اجرایی شد. احمد حافظ در پایان تصریح کرد: ۲ هزار و ۷۸۰ متر مربع از جدول‌ها و المان‌های شهری برای جلوگیری از حوادث و دید بهتر رنگ‌آمیزی شد.

حرف مردم

این ستون به حرف مردم و پیام‌های ساکنان منطقه اختصاص دارد. شهروندان می‌توانند مشکلات محله خود را با شماره تماس ۳۷۲۸۸۸۸۱ با ما در میان بگذارند تا آن را به گوش مسئولان برسانیم.

سد معبر گسترده در نهضت و یوسفیه رضایی:

در محدوده نهضت و یوسفیه که جمعیت بسیار زیادی دارد، پیاده‌روها هم به بخشی از مغازه‌ها تبدیل شده‌اند و بعضی‌هایشان حتی هیچ راهی برای عبور و مرور عابران نگذاشته‌اند و گاهی وقت‌ها مجبوریم که از داخل خیابان رد شویم که خطرناک است. سد معبر شهرداری چرا این تخلفات را می‌بیند و برخورد نمی‌کند؟

تابه‌سامانی وضعیت اتوبوس مسیر ۴ شهروند:

همیشه باید در ایستگاه‌های چهارراه صیادشیرازی و تقاطع شریعتی و رفیعی نزدیک به ۴۰ دقیقه معطل باشی تا بالاخره سروکله اتوبوسی که همیشه دیر می‌آید پیدا شود. اتوبوس‌ها هم بیشتر کثیف و بدون کولر هستند.

توقف خطرناک خودروها در پلیس‌راه امام هادی:

مسئولان راهور و اداره راه و همه سازمان‌های مربوط، درباره توقف تاکسی‌ها و اتوبوس‌های برون شهری در مقابل پلیس‌راه امام هادی هم فکری کنید. من هر روز با ترس از این مسیر عبور می‌کنم. به پلیس‌راه که می‌رسید سواری‌ها و اتوبوس‌ها وسط بزرگراه برای سوار کردن مسافر دوبله توقف کردند و هیچ مأموری هم وجود ندارد که با آن‌ها برخورد کند.



مردمک

به نظر شما یک معلول ویلچری چگونه باید از این مسیر عبور کند؟

*خیابان ادیب

۱۴

دریافتی